



## «برای سربازان شهید وطن»



## نگاه‌تحلیگر ۲/

## علیه جنگ فرسایشی

درباره اهمیت موضع دیروز رهبری

که مغایر اهداف نتانیاهو است



مجید یونسیان

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

پایان هر جنگی با هر ابعادی صلح و سازش است. تجربیات تاریخی نشان داده که همیشه طرف موفق در عملیات نظامی نیرویی نبوده است که به پیروزی رسیده است. حداقل دو نمونه معاصر کشورهای ژاپن و آلمان هستند که در جنگ دوم جهانی شکست خوردند؛ اما در واقع می‌توان امروز آنها را پیروزمندان واقعی جنگ دوم جهانی دانست. درحالی که شوروی یکی از دو نیروی اصلی پیروز جنگ جهانی، دیگر حتی وجود ندارد و به قاف تاریخ پیوسته است. لذا امروز کسانی که سعی دارند ایران را به‌هرشکل ممکن در یک چرخه فرسایشی جنگ نظامی قرار دهند، باید پاسخگوی این سوال باشند که هدف از چنین طرح و برنامه‌ای چیست؟ اگر بر فرض نامحتمل ایران بتواند بر رقبای کاملاً آماده و مسلط خود فائق آید، در نهایت چه دستاورد مهمی خواهد داشت؟ راهبرد ایران تاکنون مقابله با زیاده‌خواهی دشمنان استعماری و دفاع در برابر تهاجم به عزت، شرافت و تمامیت ارضی ایران بوده است. این راهبرد خدشه‌ناپذیر و غیرقابل تغییر است. اما آنچه هدف نهایی از دفاع از امنیت و تمامیت ارضی و استقلال ایران است، ایجاد فضا، بستر و ظرفیت لازم و کافی برای توسعه و پیشرفت کشور است و قطعاً وقتی چنین هدفی وجود دارد، آنچه در نهایت آن را تضمین می‌کند، صلح و آرامش است؛ نه جنگ و منازعه.

در وضعیت کنونی، رژیم صهیونیستی درصدد تغییر در رویکرد و راهبرد دفاعی ایران و تبدیل آن به‌نوعی منازعه نظامی فرسایشی است. چنین راهبردی برای نتانیاهویک هدف کاملاً منطبق با مصالح و منافع این رژیم است؛ چراکه:

۱. **جنگ فرسایشی با ایران، اوضاع نابسامان داخلی این رژیم را ترمیم و راه جذب و تزریق حمایت‌های نظامی و سیاسی را هموار می‌کند.**

۲. **یوشش مناسبی برای بحران و چالش‌های سیاسی درونی رژیم آپارتاید تل‌آویواس.**

۳. **از توجه و فشار افکار عمومی جهان نسبت به جنایات ضدانسانی در غزه و لبنان می‌کاهد.**

اما این جنگ فرسایشی نتایج معکوسی برای ایران خواهد داشت:

۱. **توان مالی و اقتصادی ایران را کاهش می‌دهد.**

۲. **چهره سیاسی ایران را از کشوری که همیشه مشی تدافعی داشته و خواهان صلح برای جهان و مدافع مظلومان بوده است، به یک نیروی تهاجمی تغییر می‌دهد.**

۳. **به بروز شکاف و نا رضایتی و بحران داخلی می‌انجامد.**

بدون تردید رویکردی می‌تواند منطبق با منافع ملی باشد که ایران همچون گذشته بتواند از راهبرد دفاعی خود حراست کند. سخنان هوشیارانه و منطبق با اصول این راهبرد از سوی رهبر انقلاب که بعد از حمله رژیم صهیونیستی به چند نقطه از تاسیسات و پایگاه‌های نظامی ایران بیان شد؛ نشان می‌دهد که بر خلاف انتظار طراحان جنگ خطرناک فرسایشی، رهبری درصدد حفظ راهبرد اصولی دفاع و پرهیز از فروغلتیدن در یک جنگ فرسایشی است.

در سخنان رهبری یک مولفه مهم وجود دارد که بسیار با اهمیت است و آن هم سپردن تصمیم‌گیری به کارشناسان و مسئولین امر بر اساس مصالح و منافع ملی است. نشانه‌های این موضع عقلانی و درست را می‌توان در پیشبرد دیپلماسی فعال دولت به خوبی دید؛ به گونه‌ای که بسیاری از کشورهای جهان و منطقه را واداشته است که نقض حاکمیت ارضی ایران از سوی رژیم صهیونیستی را محکوم و جنگ‌خواهی نتانیاهو را نکوهش کنند. بدون تردید ایران به اتکالی همه توان خود در برابر هر تهاجمی پاسخ مناسب خواهد داد و این خواست مردمی و ملی است. اما این پاسخ را نباید صرفاً شلیک موشک و کوبیدن بر طبل جنگ دانست.

ایران امروز به همبستگی ملی، رضایت‌جویی مردمی و همگامی جهانی برای همکاری و از همه مهم‌تر خاموش کردن جنگ فرسایشی نیاز دارد. صلح و آرامش همانگونه که برای رژیم آپارتاید صهیونیستی سمی کشنده و برملاکننده نیات ضدبشری اوست؛ برای ایران روزنه‌ای برای نشان دادن حقانیت و مظلومیت است. نباید وسوسه‌های جاهلانه برخی کاسبکاران جنگ و تحریریم و تحریکات صهیونیست‌ها موجب برافروختن جنگی شود که سود آن نصیب دشمنان می‌شود و خسارت آن، میراثی است که برای ما به یادگاری ماند.



به قرآن کریم، امنیت را نعمت عظیم الهی دانستند و با اشاره به حوزه بسیار وسیع فعالیت مدافعان امنیت کشور و جامعه، گفتند: «هر جا امنیت و حافظان پرارزش آن نباشند، شرارت شکل می‌گیرد». آیت‌الله خامنه‌ای، «شرارت در مرزها، در شهرها، راهزنی، سرقت، قاچاق سلاح، قاچاق مواد مخدر و شایعه‌پراکنی» را از جمله «نمونه‌های تلاش برای ایجاد ناامنی» خواندند و افزودند: «هرکسی در مقابل هرکدام از انواع شرارت بایستد، عنوان پرافتخار «پاسدار امنیت» شامل حال او خواهد بود». رهبری در تبیین عنصر اصلی و ضروری تأمین و حفظ امنیت گفتند: «برخی در تحلیل و تصویری عجیب، خیال می‌کنند خودداری از تولید ابزارهای حساس‌کننده مستکبران از جمله موشک، می‌تواند برای ایران امنیت بیاورد؛ اما این تفکر و تصور غلط در واقع به ملت و مسئولان می‌گوید کشور را ضعیف نگه دارد تا در امنیت باشید». آیت‌الله خامنه‌ای «قدرت ملی» را «تنه‌اره امن بودن ایران» خواندند و افزودند: «برای ایمن‌سازی کشور و جامعه و پیشرفت ایران باید از همه لحاظ اقتصادی، علمی، دفاعی، سیاسی و مدیریتی و دیگر ابعاد قوی باشیم و هر روز قوی‌تر شویم». ایشان اشغال ایران در دو جنگ جهانی اول و دوم را با وجود اعلام بیطرفی کشور، ناشی از «سو سیاست‌های زمامداران نالایق یا خائن و وابسته» دانستند و افزودند: «آنها با رویگردانی از ابزارهای واقعی قدرت، ملت و کشور را به فقرات ضعف و ناتوانی در تأمین امنیت خود کشاندند».

رهبری در ادامه به ضرورت امنیت روانی مردم پرداختند و گفتند: «کسانی که مردم را از جمله در فضای مجازی با برخی مطالب، شایعات یا تحلیل‌ها و تفسیرهای غلط دچار تشویش و اضطراب و ترس و تردید می‌کنند، در تعبیر قرآنی «مُرْجِفُون» نامیده می‌شوند که پروردگار به پیامبر دستور می‌دهد اگر از این کار دست برنداشتند، آنها را مجازات کن». آیت‌الله خامنه‌ای اینگونه افراد را «دچار تحلیل‌های غلط یا غرض‌ورزی» خواندند و خطاب به کسانی که با فضای مجازی ارتباط دارند، تأکید کردند: «هر چیزی را که به ذهن انسان می‌رسد نباید در فضای مجازی منتشر کرد، بلکه باید اثر آن را بر روحیه و احساسات و فکر مردم در نظر گرفت». ایشان با اشاره به «تکرار مکرر موضوع فضای مجازی در هفته‌ها و روزهای اخیر»، گفتند: «کسانی که می‌خواهند درباره فضای مجازی تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری کنند، باید توجه داشته باشند که یک خبر یا مطلب غلط چگونه مردم را دچار ترس و تردید می‌کند». آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: «مسئولان کشور همانگونه که درباره امنیت مرزها و کوچه و خیابان و زندگی مردم» وظایف مهمی دارند، در زمینه حفظ امنیت روانی مردم نیز کاملاً مسئولند». رهبری با اشاره به «استفاده بدخواهان کشورهای و ملت‌ها از ابزار جنگ نرم در کنار جنگ سخت» گفتند: «ناایمن کردن فضای روانی جامعه یکی از اجزاء این جنگ نرم است و همه دیده‌اند که چگونه از فضای مجازی هم برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند». ایشان در پایان این بخش از سخنان شان خطاب به خانواده‌های شهیدان امنیت گفتند: «سر بلند باشید و به شهیدان خود افتخار کنید چرا که اگر آنان و دیگر حافظان امنیت نبودند، مشکلات زیادی برای کشور و ملت به وجود می‌آمد، بنابراین همه مردم نیز باید قدردان این شهیدان و خانواده‌های آنان باشند».

اجازه استفاده از فضای جوی را ندهید و ایران را تنها نگذارید. ولی عملاً دیدیم بیانییهایی دادند و محکوم یا ابراز نگرانی کردند و تمام. ترکیه نزدیک‌ترین همسایه ماست که کوچک‌ترین تغییری در مرادوات تجاری خود با اسرائیل و حمایت از تل‌آویو ایجاد نکرد. به نظر من این سیاست پینگ‌پنگی و رفت و برگشتی باید متوقف شود و دنبال سازوکارهای دیگری برویم. با افزایش قدرت خود باز دارندگی ایجاد کنیم. به مسئله نفوذ در داخل بپردازیم. انگار ما این مسئله‌ای نفوذ را جدی نمی‌گیریم. ضرباتی که از ناحیه نفوذ خوردیم، بیشتر از حمله به چند سایت موشکی و پدافندی به ما ضربه زده است. ما افرادی را از دست دادیم که به سادگی نمی‌توانیم آن‌ها را جایگزین کنیم. این مسئله باید مورد توجه قرار بگیرد». این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: «برداشت من این است که ایران نمی‌خواهد این فضا را ادامه دهد. در این میان نیروهای افراطی تلاش می‌کنند به فضای جنگی دامن بزنند. حرف‌های ناخن‌خیز می‌زنند. مثلاً چند وقت پیش گفتند ما باید بحریں را به ایران برگردانیم. یا این صحبت‌هایی که در صداوسیما و کیهان در باره جنگیدن مطرح می‌شود. دولت باید این فضا را مهار کند. مواضع نیروهای افراطی هیچ‌وقت به درد ملت نخورده و جز در دسر هم سود دیگری نداشته است. مثلاً بجری صداوسیما می‌آید در فضایی احساساتی می‌گوید ما می‌خواهیم با کل منطقه فلان کار را بکنیم و فلان جا را بزنیم. فکر می‌کنم در این شرایط، باید به صداوسیما کارت زرد یا حتی کارت قرمز بدهند که چرا شما دارید بر طبل افراط و تفریط می‌کوبید! اگر چه تصمیم‌گیری در این مسائل بالاتر از دولت است و صرفاً در دست قوه مجریه نیست اما سیاست دولت پزنشکبان و شخص رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی باید این باشد که این فضا را کنترل کند و نگذارد این نیروهای سیاسی کشور را وارد جنگی نیمه‌بلند کند»

کنیم، حتی اگر دشمن روی آن حساسیت داشته باشد. چرا که آن‌ها با حساسیت نشان دادن خودشان می‌خواهند به یک نوعی در اراده ما مائل ایجاد کنند. اگر لازم باشد سراغ این تجهیزات هم باید رفت. این تحلیلگر سیاسی خاطرنشان کرد: «نکته بعدی ایشان این بود که مسئولان تصمیم می‌گیرند. برداشت شخصی‌ام از این صحبت را می‌توانم در قالب این مطرح کنم که صحبت آیت‌الله خامنه‌ای ناظر بر این مطلب است که چون فرماندهی کل قوا طبق قانون اساسی بر عهده رهبری است، برخی ممکن است اینطور تصور کنند که تصمیمات مهم نظامی و امنیتی به طور انفرادی توسط ایشان گرفته می‌شود. در حالی که این فرض غلط است. در طول دولت‌های گذشته، همواره تصمیم‌های مهم این‌چنینی در شورای عالی امنیت ملی گرفته شده است. رئیس این شورا رئیس‌جمهور است و فرماندهان نظامی و مسئولان امنیتی و وزرای مربوطه در آن حضور دارند. طبق قانون، تصمیم شورا باید به تصویب رهبری برسد اما این طور نیست که ایشان تصمیم را انفرادی بگیرند و برای اجرا به واحدهای نظامی ابلاغ کنند. بارها شده که رهبری به فراخور موضوع یا شرایط، اعضای شورای عالی امنیت ملی را فراخوان کردند و بحث و بررسی حول یک موضوع صورت گرفته است. در این میان شاید تصمیماتی هم خیلی منطبق با نظر رهبری نبوده باشد. اما در این سازوکار به صورت جمعی گرفته شده است. این تصمیم‌ها را فرمانده کل ارتش، سپاه یا ستاد کل نیروهای مسلح نمی‌گیرد. محصول این فرآیندی است که با توجه به همه ملاحظات نظامی، سیاسی، سیاست خارجی و امنیتی گرفته می‌شود.»

## عکس نوشت

## عاشق‌ترین شان شما بودی

## درباره عکسی از استوار عملیات موشک شهید محمد مهدی شاهرخی فر

امیر جدیدی

روزنامه‌نگار و عکاس

محمد مهدی جان سلام، می‌دانم سرت شلوغ است و شاید وقت خواندن این نامه را نداشته باشی. آدم فضولی نیستم، اما این یکی دو روز اتفاقاتی در ایران افتاد که بی‌راه نیست اگر بگویم ۸۰ میلیون ایرانی عاشق شما شده‌اند. این علاقه تا حدی است که چت خصوصی‌تان بین ملت ایران دست به دست می‌شود. دیدم از

شب نوشته بودید. اتفاقاً همان شبی که شما بیدار بودید من هم بودم. می‌گویند شب هنگام خفتن است. اما عشق می‌گوید چگونه می‌توان خفت. آن شب عشق به ایران نوی دل خیلی از ایرانی‌ها بود. اما انگار عاشق‌ترین شان شما بودی. داشتم از شبی که گذراندم برایتان می‌گفتم. از شب تا صبح اینقدر چشم‌گرد کردم و به آسمان خیره شدم که در سیاهی نور می‌دیدم. اتفاقاً آن شب از اینجا که ما هستیم هم آسمان دلبری می‌کرد. جابه‌جای آسمان پر بود از ستاره‌هایی که مدت‌ها بود رخ نمی‌نماییدند. آنظر طرف ماه هم در گوشه دیگری نشست و نورش را به شهر می‌ریخت. حال عجیبی داشتم اول ماجرا گمان کردم در محله‌مان بار آهن خالی کردند. کمی که گذشت دیدم از بار

آهن خبری نیست. نشستیم پای اخبار و هر از گاهی از پنجره سرک می‌کشیدم و آسمان را می‌پاییدم. تا خود صبح فحاکت خبر را بالا و پایین کردم. اصلاً یکی دو بار لباس پوشیدم که بزنم به دل شهر و خودم خبر بگیرم. آنقدر در شش و بش گذراندم که صبح شد. زنگ مدرسه به صدا درآمد و هیاهوی بچه‌ها صدای شهر را زیبا کرد. راستش را بخواهی حرفه من عکاسی است. اما چه عکسی چه کشکی، دلم خوش است که اسم خودم را گذاشته‌ام عکاس. نمی‌دانم این تردید از کجا بر سرم آوار شده بود که نرفتم تا از آسمان کشورم که مورد حمله یک دیوانه بود عکاسی کنم، صبح با این امید که همکارانم این وظیفه خطیر را عهده‌دار شده‌اند یکی یکی صفحات عکس خبرگزاری‌ها را بالا و پایین کردم. یکی دو خبرگزاری از صبح علی‌الطوع به سطح شهر رفته و از مردم کوچه و خیابان عکاسی کرده بودند. یکی در صف نانوائی و دیگری در حال کله و پاچه خوردن. انگار نه انگار شب قیلس دوبار به آسمان کشور مان دست‌درازی شده و آسمان صافش را غبار آلود کرده است. حواسم هست که در مواقع جنگ یک پروتکل نا نوشته

وجود دارد که از چه چیز می‌شود عکس گرفت و از چه چیز نه. اما کل روز را با خودم کلنجار می‌رفتم و خودم را ملامت می‌کردم که این که نشد به کشورم حمله شود و تصویری در خاطر شهروندانم نماند. اما نه، انگار شما فکر اینجاست که کرده بودی در هیاهوی اخبار و کری‌خوانی‌ها و بالا و پایین‌ها، ناگهان عکس جوان رعنائی منتشر شد که عینک آفتابی به چشم زده و دوربین را نگاه نمی‌کند. ضمیمه عکس نوشته بود استوار یکم محمد مهدی شاهرخی فر به شهادت رسید.

